

رفقای گرامی و مبارز هیئت سیاسی سازمان فدائیان متعلق ایران (الکثریت)

سیاس بر تلاشی بکسر و خسته پذیرتان. تلاش و مبارزه ای روشنترانه، انگارانه  
و سازمانترانه که از جبهه بر حقوق رهبری طبقه کارگر و کمیتان کشورمان برای  
پیروزی خلق با فدائیکاری و از خودگذشتگی انجام میدهند.

جزوه "مقدمه و به حاکمیت ارتجاع پایان دهیم" بدست رسید و مثل شماره های  
پیشین "مسئله انقلاب و مواضع ما" امیدین واقعه به آینده انقلاب و دیدن روشن  
از وضعیت سیاسی ایران و جهان و احساس افتقار از اینکه در حقوق سازمان مبارزه میکنم  
را در وجودم بیش از پیش تقویت کرد. مسأله این جزوه نقش آنگاهها را نه تقویت  
کننده ای بر نیروهای سازمان و تمامی مردم انقلاب کشورمان خواهد داشت.

و نظیف خود میدانم تنها نکته ای را که در این جزوه بنظم دارم و اینها  
اشکال است و بار و آل بقیه هوایک جزوه همچنان ندارد برای رفقای بازگو کنیم.  
در پاسخ به سوال که ام نیرو امکان و صداقت بدست گرفتن رهبری انقلاب  
را داراست؟ "کلیت اصولاً درست و علمی مطرح میشود ولی از آنجا که تلاش میشود  
این پاسخ های بطور کلی درست بجای پاسخ مشخص لحظه کنونی ارائه نشود - و عملاً  
بجای این پاسخ های مشخص مطرح شده است - اشکال بوجود میآورد. از جمله در این عبارت  
"در عین حال در ایران برخی جریانهای انقلابی و دموکراتیک دیگر نیز میتوانند وجود داشته باشند  
که خواهان تحولات اجتماعی و از جمله براندازی بزرگ مائلی و کلان سرمایه دارانی باشند، با امیرالعلم  
مقابل هستند و خواهان براندازی مواضع آن و استقرار یک ساختار سیاسی دموکراتیک در کشور باشند."  
(تاکید از من است.)

این عبارت چنان کلر است که گویا نولینده هنوز اطلاعی از وجود یا عدم وجود چنین  
نیروهایی ندارد (مسئله در حقیقت اینطور نیست و حتی با احتمال زیاد سازمانها و جریانات معین  
هم در نظر بوده است) با توجه باینکه در مورد جریانات بورژوازی درست در پاراگراف بالاتر از این  
عبارت آمده است: "البته در حال حاضر بعضی از جریاناتی بورژوازی ایران تا حد معین استقلال عمل  
خود را در برابر امیرالعلم محفوظ میکنند." این لغت "مستوانه" میتواند نشانه ای از شأن حال  
کردن از بر خود مشخص بنظر برسد. سنا سفته اشکال تنها در این یک مورد نیست بلکه در حق

در همین صحنه ~~صحنه~~ از شکل انتقال قدرت صحبت میشود این برداشتن به سببات جنبه ناصحی ترین پیدا میکند:

« پیروزی خلق در کسب مواضع کلیدی قدرت سیاسی ممکن است از طریق قیام مسلمانان با شرکت وسیع توده ها یا بدون شرکت وسیع آنها یا از طریق اعتصاب یا تحریم همگان، یا از طریق انتخابات یا از طریق دیگر بدست آید.»  
این عبارت البته تا وقتی که حکم یک قانون بسیار مجرد و عام را داشته باشد صحیح است ولی طرح آن در شرایط مشخص کنونی، با ملاحظه میشود دلالت، ناصحی و باعث مشوب کردن از جانب مردم و نیروهای انقلابی خواهد شد.

در شرایطی که رژیم حتی به نزدیک ترین نیروهای سیاسی نبودش، امکان فعالیت سیاسی و حق انتخاب شدن در مجلس را نمی دهد و در شرایطی که هرگونه عقیده مخالف و متفاوت سیاسی و حتی اعتقادی از طریق زور سرکوب میشود، و در شرایطی که ارجاع و ابرار با لیس با شکنجه و اعدام هزاران انقلابی و حتی هواداران جریانات سیاسی، با ملاحظه حتی خیال آزادی انتخابات را برای کسانی که به ولایت فقیه ایمان و التزام عملی ندارند کفر می شمارد؛ و در شرایطی که روز بروز بیشتر پایه های رژیم بر سرکوب مسلح خلق قرار میگیرد و اعتراض و انتقاد با کلوله و زندان پاسخ داده میشود، طرح این ~~طرح~~ فرمول عام که « پیروزی خلق » آنها در کسب مواضع کلیدی قدرت سیاسی « ممکن است ... از طریق اعتصاب یا انتخابات یا از طریق دیگر بدست آید » از نظر سیاسی شانه خالی کردن از پاسخ به مسئله مشخص کنونی است.

نتیجه عمل طرح چنین قانون عامی در پاسخ به مسئله مشخص امروزه در خلاف جهت تمامی تلاش سازمان و از جمله سایر پاسخ ها این جزوه است.  
تمامی تلاش سازمان در سمار تبلیغ و ترویج در جهت بمیدان گشادن هر چه بیشتر مردم و متشکل کردن و سازماندهی آنها برای بزرگ کردن رژیم اجتماعی و جناتتکار حاکم است. مقالات کار و حتی پاسخ های دیگر همین جزوه، سمارگان و زحماتشان و همه انقلابیون را بمبارزه ای تا پایان جان، پر شور و متهورانه و تا به آخر برای سرنگونی تمام و تمام حاکمیت و غلبه بر نیروهای نظامی و امنیتی هرگز و هرگز محافظه آنت و آنوقت این عبارت چون آب سردی بر آن اشتیاق بسیج شده ریخته میشود و



اینطور وانمود میشود که گریه، شاید نیاز به چنین یورش به حاکمیت ضروری شود  
و شاید نشود؛ شاید شرکت وسیع شما لازم باشد و شاید لازم نباشد؟ شاید حتی  
فقط لازم باشد رأی بصدوق بیاندازید و مسئله "کلیدی قدرت سیاسی" با پیروزی  
شما حل شود!

آیا گفتن این حرف زمینه ذهن برای فریب مردم توسط بن صدر و مدنی و انصاف  
آزادی و بهترین شرایط را برای روی کار آوردن آنها و وانمود کردن این تفسیر بعزیزان  
پیروزی خلق در کتب مواضع کلیدی قدرت سیاسی فراهم میکنند؟  
حتی اگر چنین تحول را یک کلام به پیش تلقی کنیم باید مطمئن باشیم - و این اطمینان  
را هم برام بدحیم - که تنها وقتی نیروی انقلاب مردم برای واژگون تمام رژیم برایش خطر جدی  
ایجاد کند امکان دارد ناچار تن بر این عقب نشینی بدهد و همانطور که تجربه تحولات قبل از  
۳۲ همین نحو نشان داد تنها راه وادار کردن حکومت شاه به در پیش گرفتن اشکال  
با اصطلاح دموکراتیک تر حکومتی تراجم بر امان توده ها برای سرنگونی تمامیت رژیم  
بود.

بیشتر  
چیز خوبست از همین حالا مواظب باشیم تا تفرش های این چنینی در گفتارمان  
ذهن مردم را مشوب سازد و راه آنها را در یورش به عرش سدنازد.  
اینکه نتیجه کار مملکت عدالتگر به چنان دولت با اصطلاح سوسیال دموکراتی از نوع  
تجاریه آفرین و یاران امروزش در چهارچوب همین نظام منتهی شود و آنها در انتخاباتی  
ظاهر اصلاح پیروز شوند البته بعید نیست ولی آماده کردن مردم برای پذیرش آن  
بعزیزان "پیروزی خلق در کتب مواضع کلیدی قدرت سیاسی" کار بیست هفت طبقه کارگر  
نیست. این کار دشمنان مردم و عدالتگر کارگزار نیست که از بیباختن و یورش خلق  
باهره هرفی باشد بیم دارند.

رفقا باز هم تاکید میکنم که تمامی پاسخ های این جزوه عملی از شور انقلابی و ایمان  
به عمل مستقل و انقلابی توده هاست. حتی در پایان همین سوال نیز با گفتن اشکله "در حال  
ما فدائیان خلق ایران تمامی نیروی خود را بکار میگیریم که سازمان خود را چنان نیرومند سازیم که با  
توانائی و شایستگی بتواند بران بدست گرفتن رهبری انقلاب و هدایت مبارزه خلق به سوی  
کب قدرت و استوار یک جمهوری ملی و دموکراتیک اقدام کند." تا حد زیادی بدو ال

خط مشی محوم سازمان و روح حاکم بر سایر بیامیخ حازر دین شده است اما باز هم لغت  
"در هر حال" جای اینها باقی گذاشته است که راههای دیگری نیز برای پیروزی تخلق می تواند  
وجود داشته باشد و در نتیجه برنگ آن نیز بسیار گام داشته است.

با آرزو و اطمینان به موفقیت های

باز هم بیشتر برای شما

۶۴، ۱۱۳ (فهادری) ۸۵، ۵، ۱۳